

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از ایران چه می دانم؟ / ۱۰۹

ترانه‌های محلی ایران

صادق همایونی



دفتر پژوهش‌های فرهنگی

فهرست مطالب

۷	پیش‌سخن
۹	فصل یکم. ترانه و منشأ آن
۹	۱. پیشینه و بُن‌مایهٔ ترانه
۱۰	۲. وزن در ترانه‌ها
۱۴	۳. فلهویات
۱۵	۴. خسروانی‌ها
۱۶	۵. نفوذ شعر هجایی در میان اعراب
۱۹	۶. سیر ترانه (اشعار هجایی) پس از اسلام
۲۵	فصل دوم. ویژگی‌های ترانه‌ها
۲۵	۱. سادگی واژه‌ها و اوزان
۲۶	۲. جلوه طبیعت و اقلیم در ترانه‌ها
۲۸	۳. جلوگاه ذوق و زیبایی‌شناسی مردم
۲۹	۴. صداقت، جسارت و بی‌پروایی در بیان
۳۰	۵. آمیختگی با آداب و رسوم و باورها
۳۳	۶. برخورداری از اندیشه‌های متنوع
۳۴	۷. برخورداری از اعتبار هنری شایان
۳۸	۸. ترانه: عشق صادقانه به مظاهر حیات و زندگی
۴۱	۹. گمنامی سراینندگان
۴۳	فصل سوم. گونه‌شناسی ترانه‌های محلی
۴۳	۱. دوبیتی‌ها

- ۵۰ ۲. شربه‌های ترکی رایج در فارس
- ۵۱ ۳. روایی‌ها
- ۵۴ ۴. منظومه‌ها و حماسه‌ها
- ۶۴ ۵. منظومه‌های عاشقانه
- ۶۶ ۶. شادمانه‌ها
- ۷۱ ۷. شوخی‌ها، طعنه، طنز، تمسخر و سرگرمی‌های زنان
- ۷۵ ۸. لیکوها
- ۷۷ ۹. لالایی‌ها
- ۸۰ ۱۰. ترانه‌های موسمی و فصلی همراه با مراسم خاص
- ۸۶ ۱۱. پیشاهنگان نوروز و بهار و نوروزیه‌ها
- ۹۱ ۱۲. کارنواها
- ۹۸ ۱۳. سوگ‌سرودها
- ۱۰۲ ۱۴. ترانه‌های مذهبی، اعتقادی و باوری
- ۱۰۵ ۱۵. دعا و مناجات و مراسم ماه رمضان
- ۱۰۷ ۱۶. ترانه‌های اندرزی و ضرب‌المثلی
- ۱۰۹ ۱۷. ترانه‌های چیستانی یا واگوشکی
- ۱۱۰ ۱۸. تکلمه‌ای بر انواع ترانه‌های محلی

۱۱۳ فصل چهارم. ترانه در گستره ایران فرهنگی

- ۱۱۳ ۱. ترانه‌سرایی در افغانستان
- ۱۱۷ ۲. ترانه‌های تاجیکستان

۱۲۱ **سخن پایانی**

۱۲۳ **مآخذ**

فصل یکم

ترانه و منشأ آن

ترانه در ایران زمین پیشینه‌ای کهن دارد؛ همزاد ایرانیان است و نشانه‌ها گواه از دیرینگی آن در این سرزمین دارد. از آن جا که ایران سرزمین هفت اقلیم است و در جای جای این مرز و بوم، اقوامی با بُن‌مایه‌های فرهنگی گوناگون اما هم‌تبار و هم‌ریشه زیسته و همگی در تاریخ، فرهنگ و تمدن آن شریک یکدیگرند، در سروده‌ها و آواهای آنان نیز وحدت و کثرت دیده می‌شود؛ ترانه‌سرایی خصلتی است مشترک در میان ایرانیان و هر محل نیز برای خود ترانه‌هایی دارد که در جمع ترانه‌های محلی را در این سرزمین پدید آورده‌اند.

۱. پیشینه و بُن‌مایهٔ ترانه واژهٔ ترانه در فرهنگ واژگان فارسی به مفهوم تازه و جوان آمده است. خلف تبریزی، دربارهٔ این واژه می‌نویسد: «ترانه بر وزن بهانه جوان خوش‌صورت و شاهد تروتازه و صاحب جمال را گویند و به اصطلاح اهل نغمه تصنیفی است که آن سه گوشه داشته باشد هر کدام به طرزی، یکی بیتی و دیگری مدح و یکی دیگر تلا و تلال‌ها و در لغت نقش و صورت و دوبیتی و سرود و نغمه را خوانند و به معنی وهن‌خوانی و طنز و خوش‌طبعی نیز هست و به معنی بدخویی و حيله‌ورزی هم آمده است» (خلف تبریزی، ۱۳۶۵، ذیل «ترانه»). هم‌چنین در فرهنگ فارسی معین به

همین معنی و نیز «تصنیفی که سه گوشه داشته باشد، هر یک به طرزی یکی بیتی و دیگری مدح و سوم تلا و تلاها» و نیز به معنای دوبیتی، سرود و نغمه خوانده شده است (معین، ۱۳۶۴، ذیل «ترانه»).

پیشینه ترانه به پیشینه شعر کهن و به روزگاری می‌انجامد که در ایران زمین سرودن شعر بر مبنای اوزان هجایی بوده و در این جا به طور کلی مراد ترانه‌هایی است که سرایندگان اعم از زن و یا مرد ناشناسند. ولی هر چه هستند در طی قرون و اعصار متوالی از ذهن جوشان و خلاقانه و پویای مردم جوشیده‌اند و همراه با حوادث تلخ و شیرین فردی و اجتماعی و شیوه‌های اندیشگی و سیر زندگانی مادی و معنوی ملت کهن و دیرینه سال، همانند جویبارانی پرطروات و آرام، قرن‌ها و روزگارانی پرفراز و نشیب را پشت سر نهاده، سینه به سینه چون پیکی مشتاق و دل‌آشنا و خاطره‌افروز و خاک‌آلود به دنیای امروزی پای نهاده‌اند و هنوز هم زلال و شفاف، تشنگان خسته را سیراب و شاد و سرخوش می‌دارند. ترانه‌ها پهنه‌ای بسیار وسیع و گسترده از فرهنگ و ادب شفاهی را در بر می‌گیرند و از این نظر با هیچ کدام از پدیده‌های فولکلوری قابل مقایسه نیستند؛ چه با لحظه‌های زندگی مادی و معنوی ایرانیان درآمیخته‌اند.

۲. وزن در ترانه‌ها ترانه‌های محلی به استثنای برخی از آنها که از سر تصادف یا با توجه به اوزان عروضی سروده شده‌اند، هجایی‌اند و نمونه‌های شعر هجایی را که تنها شیوه سرودن شعر روزگاران پیش از اسلامی است، در برخی از کتاب‌های آن روزگار به سهولت می‌توان یافت. گاتاهای زردشت، قدیمی‌ترین اثر موجود از آن روزگاران، سرشار از اشعار هجایی با اوزان گوناگون ۲-۳ تا ۱۰ هجایی است که گاه به ۱۳ یا ۱۴ هجا هم می‌رسند. ملک‌الشعراى بهار می‌نویسد:

«از اختصاصات نژاد آریایی آن است که از قدیمی‌ترین پیغمبران و راهنمایان

آن مردم چه در هند و چه در ایران و چه در یونان شعرا بوده‌اند. چهار کتاب مقدس ودا و قصاید طنّاز و شیوای مه‌بهار و دایانا، که از قدیمی‌ترین آثار دینی، حماسی و علمی سنسکریت است، و هم‌چنین ایلیاد و اُدیسه هُومر و گاتاهای زردشت بهترین یادگار گوینده‌گان باستانی این سه ملت هم نژاد است» (بهار، ۱۳۳۳، ص ۱۱).

قدیمی‌ترین شعر موجود، اوستای اولین است با دگرگونی‌هایی که در آن رخ داده. بسیاری نیز برآنند که زبان گاتاهای زبان مردم قدیم ایران است. اوزان آن بیش‌تر همان اوزانی است که امروز در اشعار اروپاییان و هندیان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد ولی در شعر فارسی از دو سه قرن بعد از اسلام و پس از گذراندن دوران تحول، اوزان عروضی جای اوزان هجایی را [در شعر رسمی و دیوانی و ادیبانه] گرفت. در آن زمان انواع شعر فارسی از نوع قصیده و چکامه و چامه نیز با اوزان هجایی سروده می‌شدند و هر یک واجد ویژگی‌هایی بودند که با داشتن آن اختصاصات از یکدیگر باز شناخته می‌شدند.

درخت آسوریک از کهن‌ترین آثار منظوم به زبان پهلوی و مناظره‌ای میان درخت نخل و بز است که هر یک از آن دو فواید خود را بر می‌شمارند تا رجحان خود را بر دیگری بنمایاند. برخی با استناد به جمله‌ها و واژگان این منظومه، آن را از جمله آثار دوره اشکانی می‌دانند که در اوزان هجایی است و اگرچه در برخی قسمت‌ها دست برده شده، بیش‌تر شامل ۱۲ هجاست.

«درختی رسته است و شتر آسوریک / بُنَش خشکست و سرش هست تر / ورگش نی ماند / برش ماند انگور / شیرین بار آورد / مر تومان و بنا انم درختی بلند /...»^۱ (بهار، ۱۳۳۳، ص ۲۶).

۱. درختی رویده است بر کشور آسورستان / بُن آن خشک است و سرآن تر است / برگش به نی ماند / برش به انگور ماند / شیرین بار آورد / ای مردمان نگاه کنید منم آن درخت بلند.